

تبیین اعتماد سیاسی ایرانیان به‌مثابه سرمایه سیاسی؛ فراتحلیل پژوهش‌های موجود

اکبر ذوالفقاری*

دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۵

عاطفه جعفری علی‌آبادی**

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۰۵

چکیده

زمینه و هدف: اعتماد بنیان بسیاری از تعاملات و کنش‌های روزمره در جوامع انسانی، چه در زمینه ارتباطات میان‌فردی و چه در حوزه ارتباطات اجتماعی، است. اعتماد سیاسی به رابطه مردم و دولت می‌پردازد که یکی از عوامل ضروری برای اداره امور بهتر کشور، رشد و توسعه بیشتر و تأمین نیازهای مردم است. پژوهش حاضر قصد دارد با روش فراتحلیل به این پرسش پاسخ دهد که در مجموع چه متغیرهایی بر اعتماد سیاسی اثرگذار است و به چه میزان آن را تبیین کرده‌اند.

روش: سازوکار اجرای پژوهش فراتحلیل - کمی است. هدف این روش، انسجام‌بخشی، مرور نظام‌مند و یکدست‌سازی مطالعات صورت گرفته در یک حوزه معین پژوهشی است. جامعه آماری آن ۱۸ پژوهش که ۱۳ نمونه سند پژوهشی با هدف ترکیب و شناسایی میزان تأثیر آن انتخاب شدند.

یافته‌ها: یافته‌های تحلیلی پژوهش حاکی از این است که اعتماد سیاسی به‌عنوان متغیر وابسته اصلی اثرپذیر از حکمرانی ($Effect\ size = 0,290$)، عدالت ($Effect\ size = 0,321$)، سرمایه اجتماعی ($Effect\ size = 0,378$)، دین‌داری ($Effect\ size = 0,435$)، رضایت اجتماعی ($Effect\ size = 0,212$)، سرمایه سیاسی ($Effect\ size = 0,263$)، انومی ($Effect\ size = 0,288$)، تبعیض ($Effect\ size = 0,375$)، امنیت ($Effect\ size = 0,347$) و شبکه اجتماعی ($Effect\ size = 0,311$) بوده و در مجموع، متغیرهای فوق توانسته‌اند $Effect\ size = 0,327$ ، $Z = 8,481$ و $sig = 0,004$ از اعتماد سیاسی را تبیین کنند.

نتیجه: نتایج تحقیق نشان می‌دهد اعتماد سیاسی به میزان بسیار زیادی فاصله اجتماعی میان نهادهای حکومتی و شهروندان را کاهش داده و ارتباط بسیار مؤثری در روابط بین مردم، حکومت، نهادها و گروه‌های واسطه بین مردم و حکومت دارد. بر اساس نتایج پژوهش، وضعیت اعتماد سیاسی در حد متوسط بوده و به‌این ترتیب، اعتماد سیاسی در سطح بالا (۳۲ درصد)، متوسط (۲۸ درصد) و پایین (۳۰ درصد) است.

واژگان کلیدی

اعتماد سیاسی، سرمایه سیاسی، حکمرانی خوب، دین‌داری، عدالت اجتماعی

* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران نویسنده مسئول

Akbar_zolfeghari@yahoo.com

Atefe.jafari1374@gmail.com

** دانشجوی کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه کاشان

مقدمه و بیان مسئله

برخورداری یک دولت از سطح بالای اعتماد سیاسی شهروندان، یکی از مزیت‌های مهم سیاسی و نشان‌دهنده برخورداری آن دولت از شاخص مشروعیت سیاسی در نزد اتباع خود است. دولت برخوردار از اعتماد سیاسی شهروندان ضمن حفظ ثبات سیاسی پایدار، در پیشبرد برنامه‌ها و سیاست‌های کوتاه و بلندمدت خود در سطح جامعه نیز موفق خواهد بود (اسدی و رضوی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۹). اعتماد از مدت‌ها قبل مورد تأکید نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و سیاسی از لاک و توکویل گرفته تا پاتنام و نظریه‌پردازان مدنی قرار گرفته است (محسنی مشتقین، ۱۳۹۵، ص ۶۶). از دیرباز چگونگی تحقق جامعه مردم‌سالار از جمله دغدغه اصلی صاحب‌نظران و متفکران علوم سیاسی بوده است (پیران‌نژاد و عبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

سرمایه سیاسی در ترسیم و ایجاد جامعه مردم‌سالار اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد. نخستین استفاده از واژه سرمایه سیاسی در سال ۱۸۴۲ است (Nayden, 2011) و اولین تمایز آن با سرمایه اجتماعی در سال ۱۹۹۷ انجام شد (Magno, 2008). آلموند و وربا معتقدند بیگانگی سیاسی، با نگرش‌های عام اعتماد و بی‌اعتمادی اجتماعی مرتبط است و کسانی که به دیگران اعتماد دارند، واجد اعتماد سیاسی بیشتری نیز هستند. شاید فاضلان‌ترین تحلیل در مورد تأثیر کارآمدی بر اعتماد سیاسی از آن آبرباخ و والکر باشد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که از تمام متغیرهایی که می‌توانند با اعتماد سیاسی ارتباط داشته باشند، «کارآمدی» مهم‌ترین است. آن‌ها با مقایسه گویه‌های کارآمدی با گویه‌های شخصیت، دریافتند که شاخص‌های سیاسی، رابطه بسیار قوی‌تری با اعتماد سیاسی دارند تا با اعتماد به مردم (سردارنیا و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴). اعتماد به‌عنوان پایه و اساس تعاملات و روابط اجتماعی، خاصه در روابط بین مردم و حکومت اهمیت بسیاری دارد (جهانگیری و ابوترابی زارچی، ۱۳۹۱، ص ۵). اعتماد سیاسی، امری ذهنی و برآیند نگرش شهروندان یک جامعه سیاسی نسبت به ماهیت و رفتار نظام سیاسی جامعه و پیش‌بینی آینده سیاسی نظام است (اسدی و رضوی، ۱۳۹۴، ص ۱۳۹). ایستون، اعتماد سیاسی را مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به موضوع‌های سیاسی می‌داند که هم به رژیم سیاسی و هم به متصدیان اقتدار در جامعه بازمی‌گردد (پناهی و شایگان، ۱۳۸۶، ص ۸۴). دال، یکی از شرایط لازم برای

ایجاد و تحکم مردم‌سالاری را در جوامع وجود اعتقادات و فرهنگ سیاسی مردم‌سالار می‌داند و یکی از شاخص‌های فرهنگ سیاسی مردم‌سالار را اعتماد مردم نسبت به یکدیگر می‌داند (دال، ۱۳۷۹، ص ۱۸۴). اعتماد سیاسی از نگاه بریتزر، دارای سه بعد میزان اعتقاد (باور یا اطمینان) افراد به سیستم یا نظام سیاسی، میزان اعتقاد آنان به کارگزاران فعال در نظام سیاسی و میزان اعتقاد آن‌ها به نهادهای سیاسی است (شایگان، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸). اعتماد سیاسی در تجربه دنیای اجتماعی و سیاسی امروز ریشه دارد. اعتماد سیاسی به وسیله افرادی ابراز می‌شود که از نظام سیاسی و سیاستمداران خود احساس رضایت می‌کنند. اعتماد سیاسی فرد به ایجاد نهادهای مؤثر کمک می‌کند که این نهادهای سیاسی نیز به نوبه خود به دولت برای حکمرانی خوب کمک می‌کنند؛ مسائلی مانند فساد یا ناشایستگی سیاسی، وابستگی سیاسی و اقتصادی به بیگانگان، پایین‌تر دانستن مردم، احساس بی‌نیازی به مردم، ترس مردم از دولت، عدم تطبیق گفتار و رفتار دولتمردان، تورم یا بیکاری بالا، عملکرد اقتصادی ضعیف، موجب از بین رفتن اعتماد سیاسی می‌شود (محسنی مشتقین، ۱۳۹۱، ص ۶۳). سرمایه اجتماعی^۱، قواعد، هنجارها، تعهدات، مبادله و اعتماد ایجاد شده در روابط اجتماعی، ساختارهای اجتماعی و تزیینات نهادی جامعه، که اعضا را قادر می‌سازد تا به اهداف فردی و اجتماعی خود نائل گردند، تعریف شده است (Narayan & Pritchett, 1997, p.23). سرمایه اجتماعی محصول تعامل اجتماعی منظم و باثبات است و لزوماً در ساختار روابط بین کنشگران جاری است؛ یعنی به واسطه شبکه‌های روابط تولید می‌شود؛ در غیاب چنین روابطی معادل عدم ایجاد سرمایه اجتماعی است. بخشی از سرمایه اجتماعی که با مسائل سیاسی مرتبط است، برآیند تعامل سیاسی است، قیود الزام‌های سرمایه اجتماعی بر کیفیت مشارکت سیاسی اثر می‌گذارد (تاجیک و جعفری، ۱۳۸۷، ص ۱۷۴). یکی از مهم‌ترین دلایلی که برای تأثیر سیاسی سرمایه اجتماعی توسط متفکران علوم اجتماعی ذکر شده، این است که سرمایه‌های اجتماعی از طریق منابع انسانی از قبیل مهارت‌های انسانی به وجود آمده است، منابعی که توانایی افراد را برای رفتارهای جمعی افزایش می‌دهد (امام‌جمعه‌زاده و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۱۶۲).

سنجش دقیق میزان سرمایه اجتماعی به ما کمک می‌کند تا به نحوه حضور مشارکت‌کنندگان در بازی‌های اجتماعی که در اینجا مشارکت سیاسی است، پی ببریم؛

نبود اصول نگرش و طبقه‌بندی لازم برای تفاوت گذاشتن باعث می‌شود تا فرد همه چیز را مساوی بباید و به‌نوعی بی‌تفاوتی سیاسی دچار شود و در نتیجه، از حضور در بازی امتناع کند؛ اما کسانی که سرمایه لازم را برای سرمایه‌گذاری و کسب نتایج ارزشمند دارند، حاضرند با حوزه موردعلاقه خود رابطه برقرار کنند و به تعبیر بوردیو، حق ورود آن را بپردازند؛ زیرا چیزهایی که حاصل بردو باخت بازی در آن حوزه است، ارزش جنگیدن را دارد (موحد و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۷۴). رابرت پاتنام اولین بار بود که سرمایه اجتماعی را به تعاملات مدنی و مشارکت سیاسی ارتباط داد. وی تصریح کرد که یک رابطه قوی بین وجود انجمن‌های داوطلبانه و کیفیت زندگی در جوامع وجود دارد. شرکت در انجمن‌های داوطلبانه، منجر به تولید منافع فردی و جمعی می‌شود و مدعی شد که این منافع فردی و جمعی نتیجه مستقیم سرمایه اجتماعی است. وی سرمایه اجتماعی را به‌عنوان شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای روابط متقابل و قابلیت اعتماد تعریف کرد (Putnam, 1993, p.19). جوامعی که دارای سطح بالایی از سرمایه اجتماعی هستند، ساختارهای سیاسی مؤثرتر و نخبگان سیاسی پاسخگوتری دارند. ساکنان جوامع با سرمایه اجتماعی بالا در سطوح بالاتری از مشارکت سیاسی عمل می‌کنند (Putnam, 1993, p.40)؛ براین اساس، وجود اعتماد سیاسی یکی از مؤلفه‌های مهم سرمایه سیاسی و ابعاد اصلی حکمرانی خوب، نقش مهمی در تأمین امنیت ملی، کاهش تهدیدهای بیرونی و درونی نظام اجتماعی دارد. نظام سیاسی با پشتیبانی اعتماد سیاسی، به‌راحتی از بحران‌های دوران تاریخی خود را عبور داده و گام‌های مؤثری در توسعه سیاسی خود برمی‌دارد. این امر درباره جامعه ایرانی در تاریخ تجربه شده است، رخداد انقلاب اسلامی، پیروزی در جنگ هشت‌ساله، مقاومت در برابر بحران‌های اجتماعی و میزان انسجام سیاسی مردم با نظام اجتماعی حاکی از اهمیت اعتماد سیاسی و اثرگذاری آن در اجتماع بوده است. پژوهش‌های زیادی درباره ارتباط با اعتماد سیاسی در ایران صورت پذیرفته و بیشتر این پژوهش‌ها با روش پیمایشی به تبیین این مسئله پرداخته است؛ از جمله، پژوهش‌های نیک‌ملکی و دیگران (۱۳۹۴)، طالبی و دیگران (۱۳۸۷)، پناهی و شایگان (۱۳۸۶)، خانباشی (۱۳۹۰)، شایگان (۱۳۸۹)، جهانگیر و ابوترابی (۱۳۹۱)، شایگان (۱۳۸۷)، سیدامامی و منتظری (۱۳۹۱)، اصغری و اسدی (۱۳۹۲)، خانباشی و دیگران (۱۳۹۱).

عدلی پور و دیگران (۱۳۹۳)، سردارنیا و دیگران (۱۳۸۸) و زاهدی و خانباشی (۱۳۹۰)، اعتماد سیاسی در بین شهروندان و عوامل مؤثر بر آن را بررسی کرده‌اند. این پژوهش‌ها، ضمن داشتن یافته‌های مناسب، از پراکندگی و نبود انسجام تجربی در حوزه یافته‌ها رنج می‌برد. این پژوهش قصد دارد با نگاهی به مطالعه‌های صورت گرفته درباره اعتماد سیاسی، به یک جمع‌بندی مناسب علمی برای تصمیم جامع درباره عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی دست یابد؛ براین اساس، مطالعه حاضر قصد دارد عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی را با استفاده از نرم‌افزار فراتحلیل کمی مورد بررسی قرار داده و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

متغیرهای اثرگذار بر اعتماد سیاسی شهروندان کدام است؟

معنی دار در مدل به چه میزان اعتماد سیاسی شهروندان را تبیین می‌کند؟

پیشینه پژوهش اعتماد سیاسی

مطالعات تجربی حوزه اعتماد سیاسی و عوامل مؤثر بر آن در ادامه گزارش شده است.

جدول شماره ۱. مطالعات تجربی اعتماد سیاسی در ایران

کد	عنوان	نویسندگان و سال پژوهش
۱	از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی	زاهدی و خانباشی (۱۳۹۰)
۲	تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای بر فرهنگ سیاسی	نیک‌ملکی و دیگران (۱۳۹۴)
۳	عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی: پیمایش میان دانشجویان	طالبی و دیگران (۱۳۸۷)
۴	اثر میزان دین‌داری بر اعتماد سیاسی	پناهی و شایگان (۱۳۸۶)
۵	تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی	سردارنیا و دیگران (۱۳۸۸)
۶	تأثیر عوامل اقتصادی بر سطح اعتماد سیاسی	خانباشی (۱۳۹۰)
۷	نگرش نسبت به رفاه اجتماعی - اقتصادی و رابطه آن با اعتماد سیاسی	شایگان (۱۳۸۹)
۸	تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان	جهانگیری و ابوترابی زارچی (۱۳۹۱)
۹	بررسی عوامل اثرگذار بر اعتماد سیاسی	شایگان (۱۳۸۷)
۱۰	نقش فرهنگ اعتماد و عملکرد نهادهای سیاسی در ایجاد اعتماد سیاسی	سیدامامی و منتظری (۱۳۹۱)
۱۱	تأثیر پاسخ‌گویی بر اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی	اصغری و اسدی (۱۳۹۲)
۱۲	نقش عوامل راهبردی محیطی در تبیین اعتماد سیاسی	خانباشی و دیگران (۱۳۹۱)
۱۳	تأثیر استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر اعتماد و مشارکت سیاسی	عدلی پور و دیگران (۱۳۹۳)

مبانی و دیدگاه‌های نظری

سرمایه سیاسی به معنای کنش‌های سیاسی است که به صورت آگاهانه فرایند سیاست‌گذاری و نظام سیاسی را متأثر می‌سازد (Booth & Richard, 2007). سرمایه سیاسی دارای دو بعد ساختاری و ابزاری است. سرمایه سیاسی ابزاری به معنای منابعی است که کنشگران از آن بهره می‌گیرند تا فرایند سیاست‌گذاری را در راستای تحقق پیامدهای مطلوب به نفع خود متأثر سازد. در عین حال، ساختار سیستم سیاسی یعنی حکومت، نهادهای سیاسی و گردآوری سرمایه سیاسی ابزاری توسط کنشگران را تحت تأثیر قرار داده که متناظر بر همان سرمایه سیاسی ساختاری است. در کنار دو نوع سرمایه سیاسی، سه سطح فردی، سازمانی و اجتماعی برای این مفهوم وجود دارد؛ در سطح فردی: سرمایه سیاسی تنها متعلق به مسئولان دولتی است (Blumentritt & Rehbein, 2008). این سطح از سرمایه شامل دو بعد سرمایه خوش‌نامی و سرمایه نمایندگی است (Harvey & Novicevic, 2004). در سطح سازمانی، سرمایه سیاسی، توانایی یک سازمان برای مدیریت تعاملات خود با دولت از طریق فعالیت‌های سیاسی است که مستلزم آگاهی سازمان از سیاست‌های عرصه‌ای که در آن فعالیت می‌کند و شکل دادن ماهرانه استراتژی‌های لازم برای اثرگذاری بر آن سیاست‌هاست (Shaffer & Hillman, 2000). در سطح اجتماعی به توانایی متأثر ساختن سیستم سیاسی اشاره می‌شود که تنها محدود به سیاستمداران نبوده بلکه همه شهروندان را در بر می‌گیرد (Schugurensky, 2000) و در نهایت به بهسازی مردم‌سالاری منجر می‌شود. سرمایه سیاسی در سطح اجتماعی به معنای توانایی شهروندان برای عمل سیاسی بوده و پیونددهنده آنان به نظام سیاسی است (Sørensen & Torfing, 2003). اعتماد سیاسی از نظر سیتترین به احساس مردم در مورد متصدیان سیاسی و سیاست‌های آنان بازمی‌گردد. لپیست و اشنایدر هم در کالبدشکافی اعتماد، اطمینان سیاسی را محدود به رهبران سیاسی و رهبران نهادهای اصلی کرده و مدعی‌اند هرگاه مردم تصور کنند که سیاست‌مداران فقط به فکر منافع خود هستند، اطمینان به دولت کاهش می‌یابد و این امر به شدت تأثیر رسانه‌های تبلیغاتی بستگی دارد (اصغری و اسدی، ۱۳۹۲، ص ۵۷)؛ به‌زعم ایستون اعتماد سیاسی هم به سمت رژیم سیاسی و هم به سمت دارندگان اقتدار در جامعه جهت پیدا می‌کند. نوریس هم در تعریف اعتماد سیاسی به پنج شاخص حمایت از اجتماع سیاسی مثل ملت، کشور، حمایت از قانون اساسی کشور، حمایت از امور اجرایی رژیم مثل

مردم‌سالاری و مانند آن، حمایت از کنشگران سیاسی و نهادهای سیاسی مثل دولت، مجلس، قوه قضاییه، دیوان‌سالاری و احزاب توجه کرد. اطمینان سیاسی بیشتر به نخبگان و رهبران سیاسی می‌پردازد، ولی اعتماد سیاسی مفهومی عام‌تر است و علاوه بر کنشگران به نهادها و گاهی اوقات به خود نظام سیاسی هم می‌پردازد. با توجه به نظریات بریتزر، ابعاد اعتماد سیاسی را می‌توان در طیفی وسیع بین اعتماد سیاسی عام/انتزاعی تا اعتماد سیاسی خاص/بهم‌پیوسته در نظر گرفت که شامل سه بعد اعتماد سیاسی است. این سه بعد عبارت از میزان اعتقاد (باور یا اطمینان) افراد به سیستم یا نظام سیاسی، میزان اعتقاد (باور یا اطمینان) آنان به کارگزاران فعال در نظام سیاسی و میزان اعتقاد (باور یا اطمینان) آن‌ها به نهادهای سیاسی (زاهدی و خانباشی، ۱۳۹۰، صص ۷۵-۷۶) هستند. وارن در تعریف خود از اعتماد سیاسی بر تمایل مردم به پیروی از رهبران سیاسی در جامعه تأکید کرده است؛ اما به‌زعم هترینگتون، اعتماد سیاسی عبارت از درجه‌ای از باور شهروندان پیرامون توانایی و موفقیت حاکمان سیاسی در برآورده ساختن انتظارات آنان است. ارتباط تنگاتنگی از یک سو، بین اعتماد اجتماعی (اعتماد مردم به یکدیگر) و سیاسی (اعتماد به نخبگان خود) و از سوی دیگر، بین تجارب سیاسی افراد و برداشت آن‌ها از کارآمدی دولت وجود دارد. در این تعریف، عنصر مهم و کلیدی در تلقی و ادراک شهروندان از کارآمدی دولت نهفته است و نه واقعیت مربوط به موفقیت‌ها و موقعیت‌های دولت. ممکن است دولتی از نظر آمار و ارقام و اطلاعات دستگاه‌های خود یا دیگران از کارآمدی در عرصه‌های مختلف برخوردار باشد ولی مردم چنین تلقی و برداشتی از آن نداشته باشند؛ در این صورت، اعتماد سیاسی ارتباط عمیقی با فرهنگ سیاسی توده‌ها دارد که در آن به نحوه نگرش، احساسات و ارزیابی مردم درباره نظام سیاسی و نهادهای ذی‌ربط توجه می‌شود (خانباشی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۸۰). در اینجا دو تعریف متفاوت از مفهوم اعتماد مقایسه می‌شوند:

۱. **اعتماد سیاسی:** احتمال این‌که یک نظام سیاسی یا بخشی از آن پیامدها یا نتایج موردنظر مردم را در آینده تولید خواهد کرد؛ به عبارت دیگر، اعتماد سیاسی یعنی احتمال کسب نتایج مطلوب بدون این‌که یک گروه از مردم برای وقوع آن کاری صورت بدهند (احتمال انجام امور مطلوب مردم به وسیله دولت بدون این‌که نیازی به دخالت مستقیم آن‌ها باشد).

۲. **اعتماد باور:** راجع به عملی است که از دیگران انتظار می‌رود؛ یعنی احتمال این‌که دیگران کارهای خاصی را انجام دهند و یا از انجام کارهای خاصی امتناع کنند. اعتماد عبارت از این اعتقاد است که دیگران از طریق انجام یا عدم انجام برخی اعمال موجب خشنودی ما می‌شوند و یا از وارد آمدن زیان به ما اجتناب می‌کنند.

هر دو تعریف بر عناصر زیر تأکید می‌ورزند: اعتماد یک نوع باور یا اعتقاد است. این باور در مورد اعمال یا اقدامات آینده دیگران است و سرانجام، این‌که اعتماد همراه با خطر کردن است؛ چراکه زمان شکل‌گیری آن، قطعیتی پیرامون نتایج و پیامدهای حاصل وجود ندارد؛ یعنی فرد می‌تواند به یک نهاد عمومی اعتماد کند تا آنچه را که انتظارش را دارد، برای او انجام دهد یا بر اساس مؤلفه‌های مورد انتظار وی رفتار کند؛ در این صورت، اعتماد همواره بر پایه درجه‌ای از خطرپذیری و عدم اطمینان شکل می‌گیرد یا در موقعیت‌هایی ضرورت پیدا می‌کند که اطلاعات موجود کامل نیست؛ پس اعتماد باوری در رابطه با اقدامات آتی افراد یا سازمان‌هاست. این باور همواره با مخاطره و عدم اطمینان از پیامدها همراه است و شخصی که اعتماد می‌کند، از این مخاطرات آگاه است. نکته دیگر این‌که پدیده فوق به ارزیابی ما از میزان قابلیت اعتماد دیگران بستگی دارد؛ یعنی دیگران تا چه اندازه ظرفیت برآورده ساختن اعتماد ما را دارند (زاهدی و خانباشی، ۱۳۹۰، صص ۷۶-۷۷). اسپنسر مبنای اعتماد سیاسی را در جوامع نظامی، زور و در جوامع صنعتی، قرارداد می‌داند و جوامع در حال گذر را فاقد اعتماد می‌شمارد. البته اسپنسر معتقد است اعتماد سیاسی در جوامع صنعتی پایین است؛ زیرا فردگرایی و سودجویی، موجب نادیده گرفتن دولت می‌شود (پناهی و شایگان، ۱۳۸۶، ص ۷۸). کلمن هم در بررسی عوامل اثرگذار بر افزایش یا کاهش اعتماد سیاسی می‌گوید: بعضاً ممکن است میزان موفقیت در یک عملکرد دولت بر افزایش یا کاهش اعتماد سیاسی تأثیر داشته باشد؛ مثلاً موفق نشدن حکومت آمریکا در اداره جنگ ویتنام می‌تواند علت کاهش اعتماد عمومی نسبت به حکومت آمریکا در یک دهه باشد (شایگان، ۱۳۸۹، ص ۹). لوهمان معتقد است که بدون اعتماد نظام سیاسی نمی‌تواند افراد را در شرایط ناپایدار و پرخطر و ادار به فعالیت‌های مددجویانه کند. در نظر پاری وقتی قانون بتواند متکی بر قدرت کسانی باشد که به اعتماد خود نسبت به حکومتشان وفادار بمانند، در این صورت،

حکومت‌ها به بهترین وجهی مورد اعتماد خواهند بود. با این همه، اعتماد به رژیم، خود نتیجه‌ای از اطمینان فرد به سازوکارهای سیاسی است و موجه شمرده می‌شود (جهانگیری و ابوترابی زارچی، ۱۳۹۱، ص ۹). کلاس اوفه در توجیه ضرورت نیاز به عنصر اعتماد و به‌ویژه اعتماد سیاسی در جامعه و با فرض اینکه اعتماد در هر جامعه‌ای موجود است، فعال کردن و حفظ آن را به‌جای ایجاد آن امری صحیح‌تر می‌داند. وی انگیزه‌های فردی را برای پایداری و قوام اعتماد، ناقص می‌بیند و برای تکمیل آن دو راه‌حل پیشنهاد می‌دهد: یکی توجه به گروه‌ها (به‌طور کلی) به‌عنوان منبع تقویت هویت‌های مشترک و احساس تعلق فرد. دیگری نهادهای جامعه که بر اساس توانمندی خود می‌توانند اعتماد را در سطح جامعه گسترش دهند (مرادی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹).

در ادبیات اعتماد سیاسی گاه با سه مفهوم رایج وجود دارد:

۱. **اثر بخشی سیاسی:** به احساسات شهروندان درباره اثرهای کنش آن‌ها روی حوادث سیاسی می‌پردازد. این مفهوم نشانگر اعتقاد افراد به اثرگذاری بر تغییرات سیاسی و اجتماعی است. ریشه این کلمه به روان‌شناسی اجتماعی و به مفاهیمی چون شایستگی فردی، اعتماد به نفس، ارزیابی از توانایی خود و قابلیت‌های شخصی برمی‌گردد و نقطه مقابل از خودبیگانگی سیاسی است. در اینجا جهت‌گیری تعمیم‌یافته به سوی موضوعات سیاسی است که در طول زمان کم‌وبیش ثابت می‌ماند و به ادراک فرد از قابلیت و توانمندی خودش برمی‌گردد، نه به تأثیر واقعی آن بر موضوعات سیاسی.
 ۲. **اطمینان سیاسی:** به اطمینان سیاسی احساس مردم در مورد متصدیان سیاسی و سیاست‌های مربوط است و محدود به رهبران سیاسی و رهبران نهادهای اصلی است.
 ۳. **اعتماد سیاسی:** مفهومی عام‌تر است و علاوه بر کنشگران به نهادها و گاه به خود نظام سیاسی می‌پردازد؛ بنابراین، از بین این سه واژه به‌دلیل جامعیت و توجه به تمام ابعاد و جوانب سیاسی واژه‌ها، آنچه در این تحقیق مورد نظر بوده، اعتماد سیاسی است که هر سه سطح مفهوم اعتماد سیاسی را پوشش می‌دهد (طالبی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵).
- **بنفیلد:** بنفیلد اعتماد سیاسی را به شرایط اقتصادی و تجارب تاریخی مرتبط می‌کند و مشخصه جامعه ایتالیایی را اعتماد اندک به دیگران می‌داند. بنفیلد این پدیده را به تاریخ طولانی فقر هولناک و سلطه خارجی نسبت داده است. اعتماد به دیگران قمار بر سر این

توقع است که آیا دیگران هم به جای سوءاستفاده از اعتماد شما، در مقابل چنین می‌کنند؛ اما در فقر شدید، شخص جایی برای اشتباه ندارد. شخص نمی‌تواند قمار کند؛ زیرا اگر از اعتمادش سوءاستفاده شود (مثلاً طلبش پرداخت نشود)، ممکن است تمام خانواده‌اش از گرسنگی بمیرند. یک عامل کمک‌کننده دیگر عدم اعتماد شدید به قدرت است که ناشی از تاریخ طولانی سلطه استعمارگرانه خارجی در جنوب ایتالیاست؛ از این رو تبیین بنفیلد بر اساس تأثیر متقابل توسعه اقتصادی و دیگر تجارب تاریخی است (شایگان، ۱۳۸۹، ص ۶).

- **ز تومکا:** ز تومکا معتقد است که سه دسته از عوامل برای شکل‌گیری فرهنگ اعتماد در یک جامعه دخیل‌اند که عبارت‌اند از: متغیرهای زمینه‌ای (مثل سنت تاریخی اعتماد یا بی‌اعتمادی)؛ متغیرهای مستقل (مثل شرایط ساختاری برای تجربیات مثبت یا منفی توأم با اعتماد که شامل وحدت هنجاری، ثبات نظام سیاسی، شفافیت سازمان اجتماعی، آشنایی با محیط اجتماعی و پاسخگو بودن افراد و نهادهاست)؛ متغیرهای میانی (مثل خلیات اجتماعی که شامل انگیزه اعتماد کردن، عمل‌گرایی، خوش‌بینی، گرایش به آینده، تمایل زیاد کسب موفقیت است و سرمایه اجتماعی که شامل ثروت و دارایی، امنیت شغلی، تعدد نقش‌ها، قدرت، تحصیلات، شبکه‌های روابط اجتماعی، خانواده سالم و اعتقادات دینی) است (جهانگیری و ابوترابی زارچی، ۱۳۹۱، ص ۱۱).

- **ماکس وبر:** بر اساس تیپولوژی سه‌گانه اقتدار و بر (اقتدار سنتی، کاریزماتیک و بوروکراتیک)، سه نوع رابطه اعتماد میان مردم و حکومت‌ها می‌توان تشخیص داد: مبنای اعتماد سیاسی در جوامع سنتی را پایبندی حکام به سنت‌ها و رسوم کهن است. در جوامعی که ویژگی‌های خارق‌العاده و فرهنگ‌دانه حاکمان برای مردم بااهمیت است، حاکمان سیاسی فرهنگ اعتماد سیاسی را جلب می‌کنند؛ در جوامع مدرن اعتماد سیاسی بر مبنای قانون و مقررات عقلانی استوار است. وبر خطر امروز را خطر نظم بدون اعتماد می‌داند و معتقد بود فرایند دیوان‌سالار شدن و عقلانی شدن ممکن است به مشروعیت بدون اعتماد منجر شود (شایگان، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸).

- **نیوتن:** به نظر نیوتن کارآمدی نهادهای سیاسی و اجتماعی، واسطه‌ای بین اعتماد اجتماعی افراد و اعتماد سیاسی آنهاست. اعتماد اجتماعی فرد، به ایجاد روابط همکاری اجتماعی که اساس شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی - اجتماعی کارآمد است، کمک می‌کند

(فرایندی از بالا به پایین). به نظر وی سازمان‌های سیاسی - اجتماعی کارآمد، به ایجاد دولت کارآمد و مشروع یاری می‌رساند که این خود به شکل‌گیری شرایط اجتماعی مناسب برای سرمایه اجتماعی بالا و جامعه مدنی توسعه‌یافته کمک می‌کند (فرایندی از بالا به پایین). اعتماد سیاسی فردی نیز به ایجاد نهادهای کارآمد سیاسی می‌انجامد که این نیز به نوبه خود به بهبود عملکرد دولت، منجر شده و موجب شکل‌گیری سرمایه سیاسی و شرایط رشد جامعه مدنی می‌شود (فرایندی از بالا به پایین و برعکس)؛ بنابراین، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی توسعه‌یافته، امکان ایجاد دولت مفید را فراهم می‌کند و دولت کارآمد به بقای سرمایه اجتماعی و شرایط جامعه مدنی مدد می‌رساند. نیوتن رابطه بین سرمایه اجتماعی و سرمایه سیاسی را رابطه‌ای الزاماً نزدیک و متقارن نمی‌داند. به نظر او سطوح بالای اعتماد اجتماعی می‌تواند با سطوح بالای اعتماد سیاسی همراه باشد اما ضرورتاً این‌گونه نیست. تصور یک دولت خوب بدون بنیادهای محکمی چون نهادهای کارآمد عمومی و خصوصی مشکل است. وی تأکید می‌کند رابطه بین سرمایه اجتماعی و سرمایه سیاسی می‌تواند با دلایلی چون شکست ائتلاف دولت، دوره‌ای از فساد و ناکارآمدی سیاسی، شوک‌های بیرونی به نظام، تورم و بیکاری بالا، عملکرد اقتصادی ضعیف و یا شکست در جنگ، گسسته شود (سردارنیا و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۴۳).

- **اینگلهارت:** اینگلهارت معتقد است که اعتماد بین شخصی و اعتماد سیاسی یکی از مؤلفه‌های ارزش‌های وجودی یا بیان نفس است که در مقابل ارزش‌های بقا قرار می‌گیرد. در نظر وی اعتماد سیاسی متأثر از عوامل متعددی شکل می‌گیرد. بر اساس نظریه وی توسعه اقتصادی - اجتماعی می‌تواند بر میزان اعتماد سیاسی جوامع تأثیراتی را بگذارد؛ بدین معنا که اینگلهارت، توسعه اقتصادی - اجتماعی را در دو سطح فردی و جمعی بیان می‌کند. در سطح فردی میزان درآمد فرد مدنظر است و در سطح جمعی آن، پیشرفت در فناوری‌های ارتباطی چون ماهواره و اینترنت و همچنین، افزایش تحرک اجتماعی و افزایش عضویت فرد در شبکه‌های اجتماعی و تعاملاتی یا به عبارت کلی‌تر، میزان سرمایه اجتماعی افراد مورد توجه است. در واقع، می‌توان گفت با گسترش صنعتی شدن و فناوری‌های ارتباطی چون اینترنت که از نشانه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی است، تحرک اجتماعی مردم بیشتر می‌شود و این خود منجر به تغییر در نوع تعاملات و شبکه‌های ارتباطی افراد شده

است؛ مثلاً گسترش استفاده از اینترنت به افراد امکان عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی را داده است که این شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌توانند پیام‌ها و معانی سیاسی را به افراد منتقل کنند که بر میزان اعتماد سیاسی آن‌ها اثرگذار است. از جانب دیگر، در نظر اینگلهارت عضویت افراد در این شبکه‌های اجتماعی باعث می‌شود تا افراد به ابراز خود بپردازند و این می‌تواند بر رضایتمندی فرد و احساس خوشبختی وی تأثیر بگذارد. در واقع با افزایش سرمایه اجتماعی فرد، میزان رضایتمندی وی از زندگی نیز بیشتر می‌شود. در نظر وی بالا بودن ارزش‌های بیان نفس که اعتماد سیاسی یکی از شاخص‌های آن است، با میزان نسبتاً بالای رضایت از زندگی پیوند دارد. بر اساس نظریه اینگلهارت رضایت از زندگی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر میزان اعتماد سیاسی است؛ بدین معنا که هرچه فرد از زندگی خود رضایت بیشتری داشته باشد، مشارکت مؤثرتری در عرصه سیاسی دارد. همچنین، اینگلهارت معتقد است که سطح سواد عمومی و میزان تحصیلات فرد می‌تواند بر نوع جهت‌گیری‌های سیاسی و میزان اعتماد سیاسی وی اثرگذار باشد؛ بدین معنا که افراد دارای تحصیلات دانشگاهی تأکید بیشتری به نسبت شهروندان عادی بر بیان نفس داشته‌اند. اینگلهارت به تأثیر مستقل ساختارهای فوق فرهنگی یا همان سنت‌های دینی میراث مشترک تاریخی جوامع اذعان دارد؛ به این معنا که مذهب و قومیت افراد، مستقل از عامل توسعه اقتصادی - اجتماعی بر میزان اعتماد سیاسی افراد اثرگذار است (جهانگیری و ابوترابی زارچی، ۱۳۹۱، صص ۱۲-۱۳).

- **پیر بوردیو:** وی به مفهوم سرمایه سیاسی در کنار سرمایه نمادین در قلمرو میدان یا فضای اجتماعی اشاره می‌کند که کنشگران سیاسی از طریق مواضع سیاسی و راهبردهای سیاسی به دنبال کسب موقعیت‌های فرادست در میدان سیاسی است. عاملان سیاسی به این معنا تلاش می‌کنند تا ابزار مشروع دست‌کاری جهان اجتماعی را به انحصار خود درآورند. به‌زعم وی، هر قدر میدان سیاسی مستقل‌تر، به همان میزان سازوکارهای درونی‌اش نیز نقشی مهم‌تر در فعالیت سیاسی ایفا می‌کند. وی بین دو نوع سرمایه سیاسی تفکیک قائل شد؛ یعنی سرمایه سیاسی که فرد کسب می‌کند و سرمایه سیاسی که از طریق نمایندگی حاصل می‌شود. سرمایه سیاسی فردی نتیجه یا انباشت یا کنش و عمل در یک موقعیت نهادی است. سرمایه سیاسی فردی با نابودی شخصی که در رأس قدرت قرار

دارد، از بین می‌رود. سرمایه‌سیاسی به‌وسیله نمایندگی از طریق سرمایه‌گذاری یک نهاد به دست می‌آید. شخص میزان مشروط و محدودی از سرمایه‌جمعی را نهاد دریافت می‌کند. سرمایه‌سیاسی به شکل موقعیت‌ها و مناصب نهادینه می‌شود (بابایی، ۱۳۸۸، ص ۴۵). در نزد بورديو، سرمایه‌اقتصادی شامل سرمایه‌های مالی، میراث منقول و غیرمنقول، دارایی‌های گوناگون و غیره تنها یکی از سرمایه‌های موجود در جامعه است و در کنار آن ما دست‌کم، سه نوع دیگر از سرمایه را نیز وجود دارد: یک. سرمایه فرهنگی؛ تحصیلات و به دست آوردن قابلیت‌های فرهنگی و هنری، بیانی و کلامی؛ دو. سرمایه اجتماعی: به دست آوردن موقعیت‌های اجتماعی و برخورداری از شبکه‌های کمابیش گسترده‌ای از روابط، دوستان و آشنایان که می‌توانند در مواقع ضروری به نفع فرد وارد عمل شوند؛ و سه. سرمایه نمادین: به دلیل موقعیت‌های کاریزماتیک و یا با تکیه بر نمادها و قدرت‌های پیش‌زمینه‌ای برای نمونه نهادها، سازمان‌ها، دین، قومیت و ... برای فرد ایجاد می‌شود. بدین ترتیب، هر فرد و هر مجموعه‌ای از افراد در جامعه دارای سرمایه‌ای کلی می‌شوند که خود ترکیبی از سرمایه‌های نامبرده است. در بالاترین رده اجتماعی که میدان قدرت است، در جوامعی مثل فرانسه، به نظر بورديو کسانی قرار می‌گیرند که دارای بالاترین سرمایه کل نیز هستند؛ همچون سیاست‌مداران و مشاغل آزاد (پزشکان، وکلا، صاحبان بزرگ سرمایه ...). درحالی‌که در پایین‌ترین رده کسانی قرار می‌گیرند که کمترین سرمایه کل را دارا هستند؛ نظیر مزدبگیران زراعی و کارگران صنعتی ساده. در این میان، ترکیب سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی می‌تواند گروه‌های اجتماعی متفاوتی را به وجود بیاورد؛ برای مثال، سرمایه فرهنگی نسبتاً پایین و سرمایه اقتصادی بالا را می‌توان در روسای صنایع و سرمایه‌داران متوسط مشاهده کرد، درحالی‌که سرمایه اقتصادی پایین و سرمایه فرهنگی نسبتاً بالا را می‌توان در مشاغل فرهنگی همچون معلمان و هنرمندان دید. سرمایه‌ها قابل تبدیل به یکدیگر و قابل مبادله با یکدیگر هستند و بنابراین بازتولید قدرت صرفاً از خلال مدارهای خطی ساده مثلاً در سیستم سیاسی یا فرهنگی انجام نمی‌گیرد بلکه در مجموعه‌هایی ترکیبی از میدان‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... انجام می‌گیرد که در مجموعه گروه حاکمان را می‌سازند. بورديو نیز به صورتی تلفیقی در زمینه کنش، به تأثیر فضای ساختار اجتماعی (طبقات یا حوزه‌های کنش)، در قالب

چند مفهوم بنیادی از قبیل عادت‌واره، حوزه و سرمایه که ستون فقرات آن از رابطه دوسویه میان ساختارهای عینی (ساختارهای حوزه اجتماعی) و ساختارهای ذهنی شده (عادت‌واره) تشکیل یافته می‌پردازد. بوردیو در تبیین کنش افراد که به صورت ضمنی می‌توان مسئله اعتماد و بی‌اعتمادی را نیز از آن استخراج نمود، به ساختارهای طبقاتی و حوزه‌ای که فرد در آن پرورش یافته، اشاره کرده و می‌گوید هر فرد با توجه به عادت‌واره و سلیقه‌ای که از فضای ساختار اجتماعی (طبقات یا حوزه‌های کنش) با توجه به سرمایه‌های در دسترس خویش اخذ می‌کند؛ به کنش خود هدف و جهت می‌دهد و شناخت انگیزه و چرایی و الگوی کنش او حتی در زمینه اعتماد یا بی‌اعتمادی سیاسی نیز با رجوع به همان حوزه و ساختار اجتماعی و اقتصادی امکان‌پذیر است. میزان اعتماد به نظام سیاسی موجود بستگی به میزان سرمایه‌های در اختیار فرد و طبقه خاصی است که فرد در آن وجود دارد؛ زیرا طبقات بالا و تا حدودی طبقات متوسط با در اختیار داشتن انواع سرمایه‌ها (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نمادی) جزئی از بدنه حکومت را تشکیل می‌دهند و با توجه به پرورش فرهنگی خاصی که از بدو تولد می‌بینند، هم اعتماد سیاسی بالایی نسبت به نظام سیاسی موجود دارند و هم وسیله بازتولید نظام سیاسی در میان طبقات دیگر هستند؛ اما طبقات پایین با توجه به اینکه از سرمایه‌های اندکی برخوردارند و همیشه در تکاپوی کسب احتیاج‌های اولیه زندگی خویش هستند، بنابراین همیشه با کمال مطلوب زندگی فاصله دارند و در نتیجه، علت فقر و بدبختی خویش را نظام سیاسی موجود می‌پندارند؛ در این شرایط اعتماد آن‌ها به نظام سیاسی پایین است (طالبی و دیگران، ۱۳۸۷، صص ۱۹۴-۱۹۵).

- آنتونی گیدنز: آنتونی گیدنز به «ذات مفهوم اعتماد سیاسی» اشاره کرده و معتقد است که در اعتماد سیاسی نوعی رابطه مبادله‌ای میان شهروندان و نظام سیاسی حاکم نهفته است. مردم برای رفع نیازهای خود به‌خصوص برای تأمین امنیت، آسایش و مشارکت در امور جامعه نیاز به ارتباط با دولت دارند و از سوی دیگر، این نیاز هم توسط دولت‌ها برای مشارکت شهروندان احساس می‌شود. هنگامی که در این مبادله مردم احساس کنند هزینه‌ها بیشتر از سود آن شده است، از مشارکت خود می‌کاهند. گیدنز ماهیت نهادهای مدرن را عمیقاً وابسته به نظام‌های انتزاعی به‌ویژه نظام‌های تخصصی

می‌داند و معتقد است این نظام‌ها با قابلیت اعتماد به مهارت تخصصی تثبیت‌شده کار می‌کنند. او اعتماد به نهادها را صورت پابندی‌های نادیدنی می‌داند که طی آن، ایمان به کارایی و منفعت ساختاری که شخص عادی تقریباً چیزی از آن نمی‌داند، حفظ می‌شود. به باور گیدنز، اعتماد یا عدم اعتماد به نظام‌های تخصصی (که نظام سیاسی جزئی از آن است)، در معرض تأثیر شدید از تجارب ما در نقاط دسترسی و همچنین، دانش‌های روزمره‌ای قرار دارد که از طریق رسانه‌های ارتباطی و منابع دیگر در دسترس شهروندان عادی و نیز کارشناسان فنی قرار می‌گیرد (مرادی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹).

مدل نظری پژوهش

در جدول زیر، با توجه به چارچوب نظری پژوهش، متغیرهای مورد تأکید نظریه‌پردازان در ارتباط با عوامل اثرگذار بر اعتماد استخراج شده است و همچنین نشان داده شده است که هر یک از متغیرهای به‌دست‌آمده حاصل از یافته‌های این پژوهش که به‌عنوان عوامل مؤثر بر اعتماد شناخته شده‌اند، به کدام دیدگاه نظری نزدیک است و به چه میزان این نظریه‌ها تبیین‌گر اعتماداند.

جدول شماره ۲. مطالعات حاصل از مبانی و دیدگاه‌های نظری

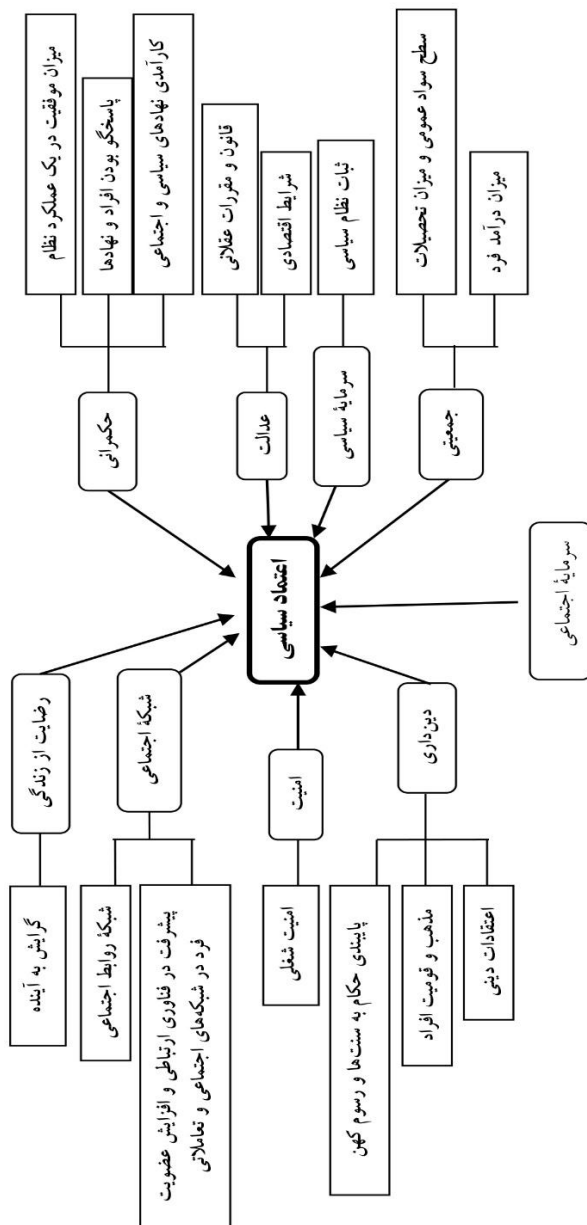
مفاهیم تجربی	مفاهیم نظری	نظریه‌پردازان
حکمرانی (عملکرد اجتماعی نظام)	میزان موفقیت در یک عملکرد نظام	کلمن
عدالت (عدالت اقتصادی)	شرایط اقتصادی	بنفیلد
سرمایه سیاسی (انسجام سیاسی)	ثبات نظام سیاسی	زتومکا
حکمرانی (پاسخ‌گویی سیاسی)	پاسخگو بودن افراد و نهادها	
رضایت از زندگی (امید به آینده)	گرایش به آینده	
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی	
امنیت (امنیت اقتصادی)	امنیت شغلی	
شبکه اجتماعی	شبکه روابط اجتماعی	
دین‌داری	اعتقادات دینی	وبر
دین‌داری (اعتقاد به دین‌داری مسئولان)	پابندی حکام به سنت‌ها و رسوم کهن	
عدالت	قانون و مقررات عقلانی	نیوتن
حکمرانی (عملکرد اجتماعی نظام)	کارآمدی نهادهای سیاسی و اجتماعی	
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی	
سرمایه سیاسی	سرمایه سیاسی	

مفاهیم تجربی	مفاهیم نظری	نظریه پردازان
جمعیتی (درآمد)	میزان درآمد فرد	اینگلهارت
شبکه اجتماعی	پیشرفت در فناوری ارتباطی و افزایش عضویت فرد در شبکه‌های اجتماعی و تعاملاتی	
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی	
رضایت از زندگی	رضایت از زندگی	
جمعیتی (تحصیلات)	سطح سواد عمومی و میزان تحصیلات فرد	
دین‌داری	مذهب و قومیت افراد	
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی	بورديو
سرمایه سیاسی	سرمایه سیاسی	

مدل نظری تحقیق

مدل نهایی که برای این تحقیق و بر اساس نظریات اعتماد طرح می‌شود، به شکل زیر است.

تبیین اعتماد سیاسی ایرانیان به‌منابه سرمایه سیاسی...



شکل شماره ۱. مدل اولیه اعتماد سیاسی در ایران

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع فراتحلیل^۲ (کمی) است. فراتحلیل قصد دارد مطالعات پیمایشی پراکنده بر حسب نقاط جغرافیایی، مکانی، زمانی و تنوع فرهنگی که در آن متغیر وابسته (اعتماد سیاسی) در همه مطالعات سنجیده شده‌اند، تأثیر متغیرهای مستقل مشابه را در آن اندازه‌گیری کند. برای این منظور، پژوهش‌های انجام‌گرفته در بازه زمانی در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۷ با موضوع اعتماد سیاسی است که در پایگاه‌های اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (سید^۳)، پایگاه مجلات تخصصی نورمگز^۴، بانک اطلاعات نشریات کشور (مگ‌ایران^۵) ثبت شده است. پس از بررسی بیش از ۱۸ مطالعه پژوهشی در باب اعتماد سیاسی، در نهایت، ۱۳ سند پژوهشی متناسب با ملاک‌های فراتحلیل کمی (ضریب همبستگی، حجم نمونه، سطح معنی‌داری، کیفیت پژوهش، اعتبار و ورایی پژوهش، پیمایش) انتخاب شدند. بعد از دسته‌بندی اولیه مطالعات، سنخ‌شناسی و توصیف آن، متغیرهای پژوهش که بیش از دو بار در مطالعات تکرار شده‌اند، برای تعیین اندازه اثر و ضریب همبستگی آن وارد CMA2 شدند.

یافته‌های پژوهش

الف. یافته‌های توصیفی

خلاصه مباحث روشی پژوهش‌ها در جدول شماره ۳ ارائه شده است:

جدول شماره ۳. سنخ‌شناسی روشی مطالعات تجربی

کد	جامعه	نمونه	روش + ابزار	شیوه نمونه‌گیری	مکان
۱		۴۰۵	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	تصادفی ساده	تهران
۲	۴۰۸۶۰۶	۴۰۰	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	تصادفی و سامانمند	کرمان
۳	۵۲۹۹	۳۸۰	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	طبقه‌ای متناسب	تهران
۴	۳۸۰۱۱۹۸۱	۶۳۰	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	سه‌میه‌ای طبقه‌ای	تهران
۵	-	۶۰۰	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	مشهد و سبزوار
۶	-	۴۰۵	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	تصادفی ساده	تهران
۷	۳۸۰۱۹۸۱	۴۴۱	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	سه‌میه‌ای	تهران

کد	جامعه	نمونه	روش + ابزار	شیوه نمونه‌گیری	مکان
۸	۱۴۰۲۲	۴۳۰	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	تصادفی طبقه‌بندی شده	شیراز
۹	۳۸۰۱۹۸۱	۴۴۱	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	سهمیه‌ای	تهران
۱۰	-	۳۸۶	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	دو مرحله‌ای خوشه‌ای	تهران
۱۱	-	۴۰۵	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	تصادفی	تهران
۱۲	-	۴۰۵	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	تصادفی	تهران
۱۳	-	۶۰۰	پیمایش (کمی) + پرسشنامه	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	تبریز

جدول شماره ۴. جامعه آماری مورد بررسی پژوهش

گروه موردی بررسی	فراوانی	درصد فراوانی
شهروندان	۹	۶۹/۲۳
دانشجویان	۳	۲۳/۰۷
معلمان و کارکنان آموزش و پرورش	۱	۷/۶۹
جمع	۱۳	۱۰۰

یافته‌های جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که ۶۹/۲۳ درصد جامعه آماری شهروندان، ۲۳/۰۷ درصد دانشجویان و ۷/۶۹ درصد معلمان و کارکنان آموزش و پرورش تشکیل می‌دهد.

جدول شماره ۵. سطح اعتماد سیاسی

سطح اعتماد سیاسی	درصد فراوانی
بالا	۳۲
متوسط	۳۸
پایین	۳۰
جمع	۱۰۰

اعتماد سیاسی در جدول شماره ۵، حاکی از این است که در ۳۲ درصد در سطح بالا، ۳۸ درصد متوسط و ۳۰ درصد پایین است

جدول شماره ۶. مقوله‌بندی روابط متغیرهای مستقل با اعتماد سیاسی

درصد	تعداد پژوهش	سنخ‌شناسی پژوهش
۳۰/۷۶	۴	عوامل اجتماعی- فرهنگی و اعتماد
۱۵/۳۸	۲	شبکه اجتماعی و اعتماد سیاسی
۷/۶۹	۱	دین‌داری و اعتماد سیاسی
۲۳/۰۷	۳	حکمرانی خوب و اعتماد سیاسی
۱۵/۳۸	۲	عوامل اقتصادی و اعتماد سیاسی
۷/۶۹	۱	راهبردهای محیطی و اعتماد سیاسی
۱۰۰	۱۳	جمع

جدول فوق روابط بین متغیرهای پژوهش با اعتماد سیاسی را به تفکیک نشان می‌دهد.

ب. یافته‌های استنباطی

نتایج حاصل از ضریب همبستگی و اندازه اثر پژوهش در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

جدول شماره ۷. نتایج ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

فرض ناهمگونی	گزارش آماری						نوع اثر	متغیر	
	sig	Q	sig	Z	upper	lower			
۰,۰۰۰	۴۱,۱۶۸	۰,۰۰۱	۶,۹۳۵	۰,۵۴۳	۰,۱۶۱	۰,۳۲۲	تصادفی	پاسخ گویی اخلاقی	حکمرانی
۰,۰۰۰	۲۷,۶۳۱	۰,۰۰۰	۹,۱۵۱	۰,۵۷۹	۰,۱۰۴	۰,۳۱۷	تصادفی	عملکرد اجتماعی نظام	
۰,۰۴۴	۵,۹۳۷	۰,۰۰۱	۳,۲۹۵	۰,۴۸۸	۰,۳۷۵	۰,۴۶۷	تصادفی	میزان فساد اجتماعی	
۰,۰۱۴	۱۵,۹۷۷	۰,۰۰۰	۱۱,۲۰۵	۰,۶۵۰	۰,۳۱۶	۰,۳۹۲	تصادفی	پاسخ گویی سیاسی	
۰,۰۰۰	۴۹,۸۲۶	۰,۰۰۰	۱۸,۹۶۶	۰,۸۷۷	۰,۴۴۱	۰,۲۹۰	تصادفی	اثر کلی حکمرانی	
۰,۰۰۰	۶۶,۷۴۵	۰,۰۰۵	۷,۲۸۴	۰,۹۵۲	۰,۰۶۳	۰,۳۶۹	تصادفی	عدالت سیاسی	عدالت
۰,۰۰۰	۱۹,۱۵۸	۰,۰۰۰	۱۶,۳۷۴	۰,۷۸۱	۰,۱۲۸	۰,۵۵۹	تصادفی	عدالت اقتصادی	
۰,۶۳۹	۰,۰۶۹	۰,۰۰۰	۱۵,۱۲۵	۰,۹۶۲	۰,۲۹۳	۰,۵۳۶	ثابت	عدالت اجتماعی	
۰,۰۰۰	۲۲,۵۱۴	۰,۰۰۱	۱۳,۷۰۲	۰,۸۳۴	۰,۲۷۴	۰,۳۲۱	تصادفی	اثر کلی عدالت	
۰,۰۰۰	۲۱,۵۷۴	۰,۰۰۰	۱۹,۶۴۴	۰,۷۹۰	۰,۱۹۷	۰,۲۵۴	تصادفی	اعتماد نهادی	سرمایه اجتماعی
۰,۰۰۰	۶۵,۳۳۵	۰,۰۰۲	۷,۵۶۳	۰,۸۴۵	۰,۱۶۳	۰,۳۶۹	تصادفی	اعتماد تعمیم یافته	
۰,۰۶۱	۰,۲۵۶	۰,۰۱۰	۸,۶۳۸	۰,۵۲۰	۰,۲۹۱	۰,۳۴۵	ثابت	اعتماد بین فردی	
۰,۳۴۱	۳,۰۵۱	۰,۰۰۲	۱۱,۳۹۲	۰,۶۳۵	۰,۳۷۲	۰,۲۱۴	ثابت	عضویت در نهادهای اجتماعی	
۰,۰۰۱	۳,۲۱۶	۰,۰۰۰	۷,۰۵۱	۰,۲۹۳	۰,۱۸۷	۰,۳۰۶	تصادفی	مشارکت اجتماعی	
۰,۰۰۰	۷۳,۴۵۸	۰,۰۰۰	۵,۲۸۹	۰,۸۴۹	۰,۱۶۵	۰,۳۷۸	تصادفی	اثر کل سرمایه اجتماعی	
۰,۰۰۰	۶۷,۲۷۸	۰,۰۰۰	۱۲,۳۳۵	۰,۶۹۴	۰,۱۲۵	۰,۳۹۸	تصادفی	میزان دین داری	دین داری
۰,۲۰۴	۱,۳۹۱	۰,۰۰۰	۶,۳۹۱	۰,۵۶۳	۰,۲۴۸	۰,۲۹۶	ثابت	اعتقاد به دین داری مسئولان	
۰,۰۷۷	۰,۶۸۵	۰,۰۰۰	۱۰,۳۶۷	۰,۷۹۸	۰,۲۴۶	۰,۴۳۵	ثابت	اثر کلی دین داری	
۰,۰۰۰	۵۰۱,۰۸۸	۰,۰۰۱	۵,۱۹۴	۰,۷۲۶	۰,۳۷۴	۰,۴۲۲	تصادفی	امید به آینده	رضایت و امید اجتماعی
۰,۰۰۰	۹۸,۶۶۶	۰,۰۰۰	۹,۲۲۷	۰,۶۹۴	۰,۳۶۴	۰,۳۰۷	تصادفی	رضایت از زندگی	
۰,۰۰۱	۱۶,۶۷۹	۰,۰۰۱	۶,۷۱۷	۰,۶۹۱	۰,۱۸۵	۰,۲۵۴	تصادفی	رضایت از عملکرد مسئولان	
۰,۰۰۰	۲۰,۲۲۱	۰,۰۰۳	۱۸,۶۷۰	۰,۹۹۵	۰,۰۴۳	۰,۲۱۲	تصادفی	اثر رضایت اجتماعی	
۰,۱۵۴	۰,۴۹۲	۰,۰۰۴	۱۲,۳۸۷	۰,۹۰۱	۰,۵۷۱	۰,۱۷۸	ثابت	مشارکت سیاسی	سرمایه سیاسی
۰,۱۹۳	۱,۸۸۹	۰,۰۰۰	۹,۳۵۵	۰,۷۸۴	۰,۳۶۵	۰,۳۱۷	ثابت	انجام سیاسی	
۰,۰۰۰	۱۸,۰۸۲	۰,۰۱۴	۱۱,۵۷۹	۰,۶۵۷	۰,۰۸۳	۰,۳۹۷	تصادفی	جامعه پذیری سیاسی	
۰,۰۰۴	۱۸,۸۳۱	۰,۰۰۰	۴,۵۴۸	۰,۴۵۳	۰,۱۲۷	۰,۲۶۳	تصادفی	اثر کل سرمایه سیاسی	

تبیین اعتماد سیاسی ایرانیان به مثابه سرمایه سیاسی...

فرض ناهمگونی		گزارش آماری					نوع اثر	متغیر
sig	Q	sig	Z	upper	lower	Effect size		
۰,۰۰۰	۱۶,۶۸۹	۰,۰۰۰	۷,۹۲۷	۰,۷۷۱	۰,۰۹۴	۰,۴۷۹	آنومی اقتصادی	
۰,۰۵۹	۳۹۰,۲۳ ۶	۰,۰۰۳	۲,۹۴۴	۰,۸۲۳	۰,۲۴۷	۰,۳۹۹	آنومی اجتماعی	
۰,۰۰۰	۱۶,۰۰۳	۰,۰۰۰	۱۷,۷۹۱	۰,۶۴۴	۰,۳۹۳	۰,۳۲۷	آنومی سیاسی	
۰,۰۰۰	۱۳,۸۰۰	۰,۰۰۲	۱۰,۴۸۳	۰,۴۰۸	۰,۲۱۴	۰,۲۸۸	اثر کلی آنومی	
۰,۰۰۰	۱۹,۶۲۹	۰,۰۰۰	۵,۷۸۹	۰,۹۸۱	۰,۳۵۸	۰,۵۷۴	محرومیت نسبی	
۰,۰۰۰	۶۶,۷۴۵	۰,۰۰۵	۷,۲۸۴	۰,۹۵۲	۰,۰۶۳	۰,۳۶۹	تبعیض اقتصادی	
۰,۰۰۰	۱۹,۱۵۸	۰,۰۰۰	۱۶,۳۷۴	۰,۷۸۱	۰,۱۲۸	۰,۵۵۹	تبعیض سیاسی	
۰,۰۰۲	۲۱,۰۷۹	۰,۰۰۳	۲۹,۱۶۳	۰,۸۵۴	۰,۲۷۹	۰,۳۷۵	اثر کلی تبعیض	
۰,۰۰۰	۱۸,۹۶۴	۰,۰۰۰	۱۲,۱۲۴	۰,۵۷۱	۰,۳۶۲	۰,۲۴۱	امنیت اقتصادی	
۰,۰۰۰	۳۱,۹۶۴	۰,۰۰۰	۱۱,۲۸۲	۰,۶۳۳	۰,۱۹۶	۰,۴۳۹	امنیت اجتماعی	
۰,۲۱۳	۸۸,۶۶۲	۰,۰۰۷	۹,۲۲۷	۰,۷۵۴	۰,۱۴۱	۰,۳۴۷	اثر کلی امنیت	
۰,۰۰۰	۳۷,۵۴۱	۰,۰۰۰	۷,۶۵۲	۰,۴۶۵	۰,۲۸۱	۰,۲۷۵	میزان استفاده از فیس بوک	
۰,۷۳۶	۰,۲۶۷	۰,۰۰۰	۱۴,۱۱۵	۰,۳۱۲	۰,۷۷۶	۰,۲۴۵	رسانه خارجی	
۰,۰۰۰	۲۹,۱۵۸	۰,۰۰۳	۹,۹۸۹	۰,۶۳۷	۰,۳۹۴	۰,۴۱۶	رسانه داخلی	
۰,۰۰۱	۲۲,۷۷۵	۰,۰۰۰	۷,۱۴۷	۰,۶۹۴	۰,۱۲۲	۰,۳۴۴	میزان استفاده از اینترنت	
۰,۳۶۲	۰,۷۹۳	۰,۰۱۱	۵,۸۷۴	۰,۴۶۱	۰,۱۵۷	۰,۳۱۱	اثر کل شبکه اجتماعی	
۰,۰۰۶	۸۵,۵۲۴	۰,۰۰۲	۱۸,۲۵۹	۰,۶۷۸	۰,۱۹۶	۰,۴۳۵	طبقه اجتماعی	
۰,۰۰۰	۸۱,۲۳۵	۰,۰۰۰	۸,۷۵۷	۰,۷۵۲	۰,۲۳۹	۰,۳۲۷	درآمد	
۰,۰۰۰	۱۲,۵۰۹	۰,۰۰۲	۴,۷۸۱	۰,۲۰۸	۰,۱۲۵	۰,۲۵۴	تحصیلات	
۰,۰۱۵	۵۶,۱۷۹	۰,۰۰۴	۸,۴۸۱	۰,۹۲۱	۰,۳۸۸	۰,۳۲۷	اثر کل پژوهش بر اعتماد سیاسی	

نتایج حاصل از یافته‌های این جدول نشان می‌دهد:

اثر کلی حکمرانی: $\text{Effect size} = ۰,۲۹۰$

- متغیر پاسخ‌گویی اخلاقی در سطح $P\text{-Value} = ۰,۰۰۱$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $۰,۳۲۲$ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین می‌کند.
- متغیر عملکرد اجتماعی نظام در سطح $P\text{-Value} = ۰,۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $۰,۳۱۷$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
- متغیر میزان فساد اجتماعی در سطح $P\text{-Value} = ۰,۰۰۱$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $۰,۴۶۷$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
- متغیر پاسخ‌گویی سیاسی در سطح $P\text{-Value} = ۰,۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $۰,۳۹۲$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.

اثر کلی عدالت: $\text{Effect size} = ۰,۳۲۱$

- متغیر عدالت سیاسی در سطح $P\text{-Value} = ۰,۰۰۵$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $۰,۳۶۹$ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین می‌کند.
- متغیر عدالت اقتصادی در سطح $P\text{-Value} = ۰,۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $۰,۵۵۹$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
- متغیر عدالت اجتماعی در سطح $P\text{-Value} = ۰,۰۰۱$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $۰,۵۳۶$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.

اثر کل سرمایه اجتماعی: $\text{Effect size} = ۰,۳۷۸$

- متغیر اعتماد نهادی در سطح $P\text{-Value} = ۰,۰۰۰$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $۰,۲۵۴$ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین می‌کند.
- متغیر اعتماد تعمیم‌یافته در سطح $P\text{-Value} = ۰,۰۰۲$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $۰,۳۶۹$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
- متغیر اعتماد بین‌فردی در سطح $P\text{-Value} = ۰,۰۱۰$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $۰,۳۴۵$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
- متغیر عضویت در نهادهای اجتماعی در سطح $P\text{-Value} = ۰,۰۰۲$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $۰,۲۱۴$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.

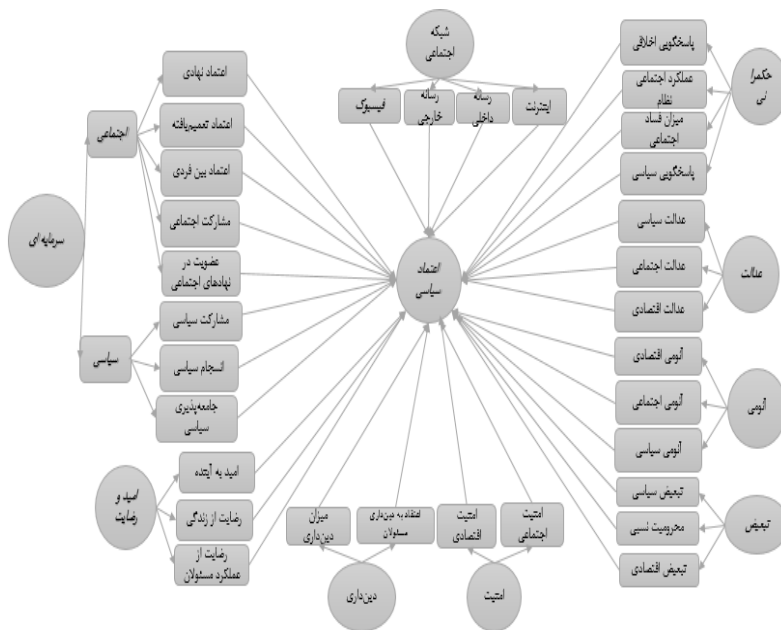
- متغیر مشارکت اجتماعی در سطح $P\text{-Value} = 0,000$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,306$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
اثر کلی دین‌داری: $\text{Effect size} = 0,435$
- متغیر میزان دین‌داری در سطح $P\text{-Value} = 0,000$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,398$ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین می‌کند.
- متغیر اعتقاد به دین‌داری مسئولان در سطح $P\text{-Value} = 0,000$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,296$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
اثر کلی رضایت اجتماعی: $\text{Effect size} = 0,212$
- متغیر امید به آینده در سطح $P\text{-Value} = 0,001$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,422$ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین می‌کند.
- متغیر رضایت از زندگی در سطح $P\text{-Value} = 0,000$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,307$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
- متغیر رضایت از عملکرد مسئولیت در سطح $P\text{-Value} = 0,001$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,254$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
اثر کل سرمایه سیاسی: $\text{Effect size} = 0,263$
- متغیر مشارکت سیاسی در سطح $P\text{-Value} = 0,004$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,178$ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین می‌کند.
- متغیر انسجام سیاسی در سطح $P\text{-Value} = 0,000$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,317$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
- متغیر جامعه‌پذیری سیاسی در سطح $P\text{-Value} = 0,014$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,397$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
اثر کلی آنومی: $\text{Effect size} = 0,288$
- متغیر آنومی اقتصادی در سطح $P\text{-Value} = 0,000$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,479$ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین می‌کند.
- متغیر آنومی اجتماعی در سطح $P\text{-Value} = 0,003$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,399$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.

- متغیر آنومی سیاسی در سطح $P\text{-Value} = 0,000$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,327$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
اثر کلی تبعیض: $\text{Effect size} = 0,375$
- متغیر محرومیت نسبی در سطح $P\text{-Value} = 0,000$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,574$ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین می‌کند.
- متغیر احساس تبعیض اقتصادی در سطح $P\text{-Value} = 0,005$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,369$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
- متغیر احساس تبعیض سیاسی در سطح $P\text{-Value} = 0,000$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,559$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
اثر کلی امنیت: $\text{Effect size} = 0,347$
- متغیر امنیت اقتصادی در سطح $P\text{-Value} = 0,000$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,241$ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین می‌کند.
- متغیر امنیت اجتماعی در سطح $P\text{-Value} = 0,000$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,439$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
اثر کل شبکه اجتماعی: $\text{Effect size} = 0,311$
- متغیر میزان استفاده از فیس‌بوک در سطح $P\text{-Value} = 0,000$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,275$ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین می‌کند.
- متغیر رسانه خارجی در سطح $P\text{-Value} = 0,000$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,245$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
- متغیر رسانه داخلی در سطح $P\text{-Value} = 0,002$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,416$ درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین می‌کند.
- متغیر میزان استفاده از اینترنت در سطح $P\text{-Value} = 0,000$ دارای تأثیر معناداری بر اعتماد سیاسی است و $0,344$ درصد از تغییرات آن را تبیین می‌کند.
- درنهایت، اثر کل پژوهش بر اعتماد سیاسی: $\text{Effect size} = 0,327$ مجموع متغیرهای معنی‌دار در مدل، 32 درصد از تغییرات اعتماد سیاسی را تبیین می‌کند.

جمع‌بندی

سرمایه سیاسی به مفهوم انسجام و پیوستگی میان نهادهای سیاسی و شهروندان است. اعتماد سیاسی یکی از مؤلفه‌های مهم سرمایه سیاسی است که نقش حائز اهمیت در امنیت ملی دارد و یکی از الزامات بنیادین نظام سیاسی و تداوم حیات سیاسی آن تلقی می‌شود و برای افزایش مشروعیت نظام و توسعه سیاسی و اجتماعی ضرورت دارد. این اعتماد در فرایند روابط اجتماعی بین شهروندان و نهادهای سیاسی و حکومت به‌ویژه در امر حکمرانی خوب تبلور می‌یابد. در اصل اعتماد سیاسی با سازمان، نهاد، انجمن، احزاب، گروه‌های سیاسی ظهور می‌کند، لذا اعتماد سیاسی نتیجه تعاملات اجتماعی موجود و گروهی انجمن‌ها و فعالیت‌های سیاسی است، به‌خصوص اگر این اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد، به‌عنوان یک سرمایه باارزش تلقی می‌گردد. این پژوهش با هدف انجام فراتحلیل و پاسخ به این‌که در مجموع وضعیت اعتماد سیاسی ایرانیان در چه حدی است و چه سازوکارهایی بر شکل‌گیری این اعتماد اثرگذار است، ۱۸ سند پژوهشی تجزیه و تحلیل شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که ۶۹،۲۳ درصد جامعه آماری شهروندان، ۲۳،۰۷ درصد دانشجویان و ۷،۶۹ درصد معلمان و کارکنان آموزش و پرورش تشکیل می‌دهد. وضعیت اعتماد سیاسی در حد متوسط است و به‌این ترتیب که اعتماد سیاسی در سطح بالا (۳۲ درصد)، متوسط (۳۸ درصد) و پایین (۳۰ درصد) است. مهم‌ترین یافته‌های حاصل از اندازه اثر پژوهشی نشان می‌دهد که در بعد حکمرانی (پاسخ‌گویی اخلاقی = ۰،۳۲۲، عملکرد اجتماعی نظام = ۰،۳۱۷، میزان فساد اجتماعی = ۰،۴۶۷، پاسخ‌گویی سیاسی = ۰،۳۹۲)، بعد عدالت (عدالت سیاسی = ۰،۳۶۹، عدالت اقتصادی = ۰،۵۵۹، عدالت اجتماعی = ۰،۵۳۶)، بعد سرمایه اجتماعی (اعتماد نهادی = ۰،۲۵۴، اعتماد تعمیم‌یافته = ۰،۳۶۹، اعتماد بین‌فردی = ۰،۳۴۵، عضویت در نهادهای اجتماعی = ۰،۲۱۴، مشارکت اجتماعی = ۰،۳۰۶)، بعد دین‌داری (میزان دین‌داری = ۰،۳۹۸، اعتقاد به دین‌داری مسئولان = ۰،۲۹۶)، بعد رضایت و امید اجتماعی (امید به آینده = ۰،۴۲۲، رضایت از زندگی = ۰،۳۰۷، رضایت از عملکرد مسئولیت = ۰،۲۵۴)، سرمایه سیاسی (مشارکت سیاسی = ۰،۱۷۸، انسجام سیاسی = ۰،۳۱۷، جامعه‌پذیری سیاسی = ۰،۳۹۷)، آنومی (آنومی اقتصادی = ۰،۴۷۹، آنومی اجتماعی = ۰،۳۹۹، آنومی سیاسی = ۰،۳۲۷)، بعد تبعیض (محرومیت نسبی = ۰،۵۷۴، احساس تبعیض اقتصادی = ۰،۳۶۹، احساس تبعیض سیاسی =

۰,۵۵۹)، بعد امنیت (امنیت اقتصادی=۰,۲۴۱، امنیت اجتماعی=۰,۴۳۹)، بعد شبکه اجتماعی (میزان استفاده از فیس‌بوک= ۰,۲۷۵، رسانه خارجی = ۰,۲۴۵، رسانه داخلی = ۰,۴۱۶، میزان استفاده از اینترنت = ۰,۳۴۴) و در بعد جمعیتی (طبقه اجتماعی = ۰,۴۳۵، درآمد = ۰,۳۲۷، تحصیلات = ۰,۲۵۴) بر اعتماد سیاسی اثرگذار بوده است؛ براین اساس، می‌توان گفت که اعتماد سیاسی به میزان بسیار زیادی فاصله اجتماعی میان نهادهای حکومتی و شهروندان را کاهش داده و ارتباط بسیار مؤثری در روابط بین مردم، حکومت، نهادها و گروه‌های واسطه بین مردم و حکومت دارد که حاصل آن شکل‌گیری شبکه اعتماد^۲ و شعاع اعتماد^۳ است. شبکه اعتماد عبارت از گروهی است که بر اساس اعتماد متقابل به یکدیگر، از اطلاعات، هنجارها و ارزش‌های یکسانی در تعاملات بینابین برخوردارند و نقش زیادی در تسهیل فرایندها و کاهش هزینه‌های تعاملات دارند. شبکه اعتماد می‌تواند بین افراد یک گروه و یا بین گروه‌ها و سازمان‌های مختلف به وجود آید. در نهایت مدل نهایی اعتماد سیاسی برگرفته از نتایج پژوهش به شرح زیر ترسیم شده است.



شکل شماره ۲. مدل نهایی اعتماد سیاسی در ایران

تبیین اعتماد سیاسی ایرانیان به‌مثابه سرمایه سیاسی...

پیشنهادهای پژوهش:

- تقویت سرمایه سیاسی بین شهروندان و نهادهای سیاسی
- استفاده از مؤلفه‌های شش‌گانه اصول حکمرانی خوب در ترویج اعتماد سیاسی
- افزایش شفافیت در حوزه سیاسی و بهبود سطح پاسخ‌گویی نهادها به مردم
- کاهش سطح ابهام‌های سیاسی در جامعه
- تقویت رسانه جمعی داخلی در جهت شفافیت، قانون‌گرایی و مبارزه با فساد در نهادهای اجتماعی
- شناسایی پاشنه آشیل بی‌اعتمادی سیاسی در جامعه و ترمیم آن
- بهبود عملکرد نهادهای سیاسی در جهت رفاه اجتماعی شهروندان

یادداشت‌ها

1. social capital
2. meta-Analysis Method
3. SID
4. Noormags
5. Magiran
6. Network of trust
7. Radius of trust

کتابنامه

- اسدی، عباس و رضوی، سیدمهدی. (۱۳۹۴). «اعتماد سیاسی در جامعه چندرسانه‌ای (با تأکید بر نقش رسانه ملی در اعتماد سیاسی شهروندان جمهوری اسلامی)»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، (۱۴)، صص ۱۳۹-۱۵۶.
- اصغری، حرمت و اسدی، اسماعیل (۱۳۹۲). «تأثیر پاسخ‌گویی بر اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی (مورد مطالعه: سازمان‌های دولتی ایران)»، فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، سال چهارم، شماره نهم و دهم، صص ۵۳-۷۵.
- امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ مهربانی کوشکی، راضیه و رهبرقاسی، محمودرضا (۱۳۹۳). «بررسی نقش ابعاد ساختاری و ارتباطی سرمایه اجتماعی در تبیین مشارکت سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان)»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، ش ۷۰.

- بابایی، رسول (۱۳۸۸). «امکانات سیاسی در نظریه جامعه‌شناختی پیر بوردیو: تولید نظریه سیاسی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، ش ۳، صص ۳۹-۵۶.
- پناهی، محمدحسین و شایگان، فریبا (۱۳۸۶). «اثر میزان دین‌داری بر اعتماد سیاسی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۳۷، صص ۷۳-۱۰۸.
- پیران‌نژاد، علی و عبادی، نغمه (۱۳۹۱). «سرمایه سیاسی و اینترنت: بررسی سطح سرمایه سیاسی و تأثیر استفاده از اینترنت بر آن»، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال هفتم، ش ۲۸، صص ۱-۲۶.
- تاجیک، محمدرضا و جعفری، روح‌الله (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی بین دانشجویان دانشگاه تهران»، فرهنگ اندیشه، سال هفتم، ش ۲۶-۲۷.
- جهانگیری، جهانگیر و ابوترابی زارچی، فاطمه (۱۳۹۱). «تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان (پیمایشی در میان دانشجویان شیراز)»، دوفصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیاسی، سال هشتم، شماره دوم، صص ۵-۲۶.
- خانباشی، محمد (۱۳۹۰). «تأثیر عوامل اقتصادی بر سطح اعتماد سیاسی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست، ش ۶۱، صص ۲۷۷-۳۱۵.
- خانباشی، محمد؛ زاهدی، شمس‌السادات و الوانی، سید مهدی (۱۳۹۱). «نقش عوامل راهبردی محیطی در تبیین اعتماد سیاسی (با تأکید بر عامل میانجی اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی)»، چشم‌انداز مدیریت دولتی، ش ۱۰، صص ۷۷-۱۱۲.
- دال، رابرت (۱۳۷۹). دربارهٔ دموکراسی، ترجمه حسن فشارکی، تهران: شیرازه.
- زاهدی، شمس‌السادات و خانباشی، محمد (۱۳۹۰). «از اعتماد عمومی تا اعتماد سیاسی (پژوهشی پیرامون رابطه اعتماد عمومی و اعتماد سیاسی در ایران)»، پژوهش‌های مدیریت در ایران- مدرس علوم انسانی، دوره ۱۵، ش ۴، صص ۷۳-۹۶.
- سردارنیا، خلیل‌الله؛ قدرتی، حسین و اسام، علیرضا (۱۳۸۸). «تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی؛ شهرهای مشهد و سبزوار»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، ش ۱، صص ۱۳۵-۱۶۵.
- سیدامامی، کاووس و منتظری‌مقدم، رضا (۱۳۹۱). «نقش فرهنگ اعتماد و عملکرد نهادهای سیاسی در ایجاد اعتماد سیاسی: بررسی پیمایشی دانشجویان دانشگاه تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، ش ۴، صص ۱۸۹-۲۱۶.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۷). «بررسی عوامل اثرگذار بر اعتماد سیاسی»، دانش سیاسی، سال چهارم، ش ۱، صص ۱۵۳-۱۷۹.

شایگان، فریبا (۱۳۸۹). «نگرش نسبت به رفاه اجتماعی - اقتصادی و رابطه آن با اعتماد سیاسی در شهر تهران»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره ۱، ش ۳، تابستان، صص ۱۷۸-۱۴۵.

طالبی، ابوتراب؛ حیدری، سیامک و فاطمی‌نیا، سیاوش (۱۳۸۷). «عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی: پیمایش میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال سوم، ش ۴، صص ۱۷۸-۲۰۸.

عدلی‌پور، صمد؛ قاسمی، وحید؛ قصابی، رضوان و طاهری، نقی (۱۳۹۳). «تأثیر استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر اعتماد و مشارکت سیاسی»، *فصلنامه فرهنگ ارتباطات*، دوره ۱۵، ش ۲۸، ش پیاپی ۶۰، صص ۱۹-۱۲۲.

محسنی مشتقین، علی (۱۳۹۵). «مفصل‌بندی اعتماد سیاسی در اندیشه امام خمینی(ره)»، *پژوهشنامه متین*، سال نوزدهم، ش ۷۲، صص ۶۵-۹۲.

مرادی، سالار؛ کواکبیان، مصطفی و فلاحت‌پیشه، حشمت‌الله (۱۳۹۶). «فرا تحلیل مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب سیاسی»، *فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال هفتم، ش ۲۴، صص ۱۰۵-۱۳۳.

موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه و پورنعمت، آرش (۱۳۸۷). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان»، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی*، «ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی»، نیمه اول سال ۱۳۸۷.

نیک‌ملکی، محمد؛ مجیدی، حسن و خانی‌ملکوه، محمد (۱۳۹۴). «تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای بر فرهنگ سیاسی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال شانزدهم، ش ۲، صص ۹۵-۱۱۲.

Blumentritt, T. & Rehbein, K. (2008). "The Political capital of foreign subsidiaries: An Democracy". *Exploratory model. Business & Society*, 47(2), 242-263.

Booth, J. A. & Richard, P. B. (2007). *Social and political capital in Latin American democracies*. Prepared for presentation at the Symposium on the Prospects for Democracy in Latin America, University of North Texas, April 5-6.

- Harvey, M. & Novicevic, M. M. (2004). "The development of political skill and political capital by global leaders through global assignments". *International Journal of Human.*
- Magno, C. (2008). "Refuge from crisis: refugee women build political capital". *Globalization, societies and education*, 6(2), 119-130.
- Narayan, D. and Pritchett, L. (1997). *Cents and Sociability: Household Income and social capital in Rural Tanzania*, World Bank, Washington, DC.
- Nayden, N. (2011). "Political capital conceptualization: reclaiming the heart of Democracy Political Science", DOI:10.2139/ssrn.2041998, pp.23-58.
- Putnam, R. D. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton: Princeton University Press.
- Resource Management*, 15(7), 1173-1188.
- Schugurensky, D. (2000). "Citizenship learning and democratic engagement: political capital revisited". *Paper presented at the 41st Annual Adult Education Research Conference. Vancouver: AERC, June 2-4.*
- Shaffer, B. & Hillman, A. J. (2000). "The development of businessgovernment strategies by diversified firms", *Strategic Management Journal*, 21, 175-190.
- Sørensen, E. & Torfing, J. (2003). "Network politics, political capital, and democracy". *International Journal of Public Administration*, 26(6), 609–634.